صراط

برای تمدن‌سازی راهی جز مناظره و مشاوره نیست

نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت و «نقد و انتقاد» را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی تبدیل کرد چنانچه نباید به جای مناظره، به «جدال و مراء»، گرفتار آمد و به جـای آزادی، به دام هتاکی و مسـئولیت‌گریزی لغزید. آن روز که سـهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق»، همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه اسـت و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه علوم و معارف دانشـگاهی و حوزوی زده شـده است. بی‌شک آزادی‌خواهی و مطالبه فرصتی برای اندیشیدن و برای بیان اندیشه توأم با رعایت «ادب استفاده از آزادی»، یک مطالبه اسلامی اسـت و «آزادی تفکر، قلم و بیان»، نه یک شعار تبلیغاتی بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است.

برای بیـدار کردن عقل جمعـی، چاره‌ای جز مشـاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد با «حمایت حکومت اسـلامی» و «هدایت علما و صاحبنظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود.

پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی به نامه جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه ۸۱/۱۱/۱۶

«جدل احسن» و روشمندی آن در سیره اهل بیت(ع)

الگوی آزاداندیشی شیعی در «مناظرات رضوی»

تحلیل

محسن مطلق

مناظره را می‌توان یکی از بارزترین شیوه‌های اثبات یگانگی خـدا و حقانیت دین به حسـاب آورد که قـرآن کریم نیز به آن اشـاره کرده است. آیه شریفه «ادْعُ إِلِی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَـةِ الْحَسَـنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَـنُ» به همین موضوع اشـاره دارد و بازگوکننده دستور الهی در خصوص مباحثه علمی با شیوه حکمی و پندگونه و برهان آوردن در مقابل معارضان و مخالفان دین است.

در قصص قرآن کریم، محاجه جدلی با مخالفان به عنوان یکی از شـیوه‌های تبلیغی ائمه اطهار(ع) بیان شده است؛ کمااینکـه حضـرت ابراهیم (ع) بـرای تبلیـغ توحید، با گروه‌های ستاره‌پرست بر اساس روش خود آنها و همراهی آنان، استدلال و منطق ایشان را زیر سؤال می‌برد.

سـیره اهل بیت(ع) نیز مؤید اهمیت ایـن روش در اثبات حقانیت مدعای دینی است. زندگی امامان نشان می‌دهد، ایشان گرچه در قالب‌های مختلف مانند بیان حدیث، تربیت شـاگردان و تشـکیل حوزه‌های تعلیماتی، از اسلام دفاع می‌کردند، اما در جایی که فضا برای طرح مباحث مخالفان یا صاحب‌خردان سایر مکاتب فراهم می‌شد، ایشان ابایی از گفت‌وگو با منتقدان مکتب نداشتند و خود را پاسخگوی آنان می‌دیدند. لذا مناظره امامان یکی از مهم‌ترین منابعی است که توسـط آن می‌توان به چارچوب فکری و برهانی تشیع پی برد.

■ شرایط مناظره در سیره رضوی

الف) هدف مناظره: هدفی که در سـیره اهـل بیت(ع) از مشـارکت در مناظره و دیالوگ‌های دینی انتظار می‌رود، جدال احسن به منظور اثبات حقانیت تفکر شیعی است. هدفی که گزارش‌های روایت شـده از ائمه -ازجمله امام صادق، امام رضـا و امام جواد(ع)- نشـان می‌دهد همین هدف مورد انتظار بوده است، اما این هدف نیازمند لوازم و ابزارهایی است که در ادامه اشاره شده است.

ب) لوازم جدال احسن:

۱- طرف مناظره: یکی از مهم‌ترین اصول مناظره عقلی در سـیره قرآن و ائمه اطهار(ع)، انتخاب طرف مورد مناظره است. یکی از ویژگی‌های مهم افراد مناظره‌کننده که اصل مناظره و احتجاج را از جدل‌های لفظی و بی‌هدف متمایز می‌سازد، آن است که صرفاً مناظرات میان افرادی صورت پذیرد که در پی یافتن حقیقت هستند و نه تحمیل عقاید خود یا تحقیر طرف مقابل. ائمه(ع) هم خود به این شـیوه پایبند بودنـد و هم در احتجاجات علمی ایشـان می‌توان طرفین مباحثه ایشان را افرادی یافت که غالباً در پی کسب حقیقت، به مناظره و پرسشگری روی آورده‌اند. در مناظرات علمی حضرت ثامن الحجج افرادی که روحیه حق‌پذیری بیشتری داشتند و حقیقتاً به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش خود بودند، فرصت ویژه‌تری را نسـبت به افراد سطحی و جدل‌پیشه اختصاص می‌دادند.

قرآن کریم نیز در یکی از آیات، مناظره را به افرادی توصیه می‌نماید که اهل پذیرش حقیقت باشـند و نه لجوجان و ستم‌پیشگان: «وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْکِتابِ إِلاّ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِلاّ الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنّا بِالَّـذِی أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ وَ إِلهُنا وَ إِلهُکُمْ واحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْـلِمُونَ»؛ و شـما مسـلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید؛ مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اوییم. (عنکبوت / ۴۶)

۲- علمی بودن مناظرات: مناظره‌ها لازم است بر پایه علم و به دور از هرگونه جدال مغالطه‌آمیـز صورت پذیرد. امام رضا(ع) نه تنها خود به این مهم پایبند بودند بلکه در ابتدای مناظرات خود از طرف مقابل می‌خواستند از هرگونه خلط مبحث بپرهیزند. همانگونه که به عمران صائبی فرمودند: «از مغالطه و ستمگری در بحث [پیش‌رو] بپرهیز.» همچنین در تناظر علمی به اصولی اشاره می‌شود که جزو مشهورات یا مقبولات طرفین باشد. امام نیز به این مسئله توجه داشتند و برای اقناع طرف مقابل از منابع و مشـهورات مورد قبول خود او استفاده می‌کردند. تسلط ایشان به منابع اهل کتاب حتی گاه بیش از خود پیشوایان این ادیان بود به گونه‌ای که مکرراً از احاطه ایشـان به موضوعات و مدعیات این کتب، متحیر می‌شدند.

به عنوان نمونه، مناظره امام رضا(ع) با جاثلیق مسیحی با رعایت همین اصل و بر پایه مقبولات طرف مقابل اسـت. حسب روایت، جاثلیق در پاسـخ به مأمون که وی را برای احتجاج علمی بـا امام رضا(ع) به مناظـره طلبید، چنین می‌گوید: «ای امیرمؤمنان، چطور با مردی احتجاج کنم که او با من با کتابی احتجاج می‌کند که من، منکر آن هستم و با پیامبری که من به او ایمان نـدارم.» در اینجا حضرت ثامن‌الحجج پاسخ می‌دهند: «ای مسیحی، اگر من با انجیلت با تو احتجاج کنم آیا اقرار می‌کنی؟» جاثلیق پاسخ می‌دهد: «آیا من توان دارم آنچه را که انجیل به آن نطق کرده، انکار کنم؟ آری! به خدا برخلاف میلم اقرار می‌کنم!»

از لوازم احتجاج با طرف مناظره علمی، با منابع وی تسلط به این منابع است؛ کما اینکه در همین مناظره، امام رضا(ع) با قرائت بخش‌هایی از انجیل، نشان می‌دهد که مسلط به متن و محتوای این کتاب است. ایشـان پس از قرائت انجیل به جاثلیق می‌گوید: «ای مسیحی! تو را به حق عیسی و مادرش سوگند می‌دهم، آیا متوجه شدی که من به انجیل آگاهم؟» و بزرگ مسیحیان این مسئله را تصدیق می‌کند.

۳- اخلاق مناظره: یکی از موارد عبرت‌آموز در سیره رضوی و با تأمل و مطالعه در مناظرات ایشان، کیفیت رعایت اخلاق مناظره است.

یکی از این اصـول اخلاقی، اعطـای آزادی بیان به طرف مناظره است که سیره رضوی نشان‌دهنده اهتمام امام در رعایت حق پرسشـگری طرف مقابل و بیان مدعیات خود است. این مسـئله در مناظره‌های علمی امام هشتم کاملاً قابل مشاهده اسـت. به عنوان مثال ایشان در گفت‌وگو با عمران صائبی، ساعت‌ها بحث را ادامه دادند و تا پایان یافتن پرسش‌های پرتعداد وی، دست از مناظره نکشیدند. وجود ظرفیت استماع سخن طرف مقابل با دقت و طرح بی‌هراس و واهمه -آن هم در جایگاهی که اغلب در شرایط مناظرات مهمی که از ائمه نقل شده است، از نظر وضعیت اجتماعی یا قدرت سیاسـی، امامان حسـب ظاهر در موضوع برتر بوده‌اند- و پاسخ‌دهی به آن با سعه صدر نشان می‌دهد یکی از مقدمات اخلاقی اولیه برای هـر نوع گفت‌وگوی علمی، تحمل شـنیدن نظر مخالف و عدم برافروختگی در مقابل ادعاهای باطل است.

> از لوازم احتجاج با طرف مناظره علمی، با منابع وی تسـلط به این منابع است؛ کما اینکه در مناظره با جاثلیق مسیحی، امـام رضـا(ع) بـا قرائـت بخش‌هایـی از انجیـل، نشـان می‌دهـد که مسـلط بـه متـن و محتـوای ایـن کتاب اسـت

همچنین در سیره جدلی حضرت رضا(ع)، چنین مشخص است که ایشان هیچ گاه نکوشیدند تا مطلب حق خود را به طرف مقابل تحمیل نمایند و تا جایی که فرد مقابل، خود به نتیجه می‌رسید، پاسخ‌دهی را ادامه می‌دادند و از مناظره دست نمی‌کشیدند.

حسن معاشرت و خوش‌خلقی، سعه صدر در پاسخگویی، استفاده از بیان لطیف و صنایع هنری سخن از جمله موارد دیگری است که می‌توان از روح مناظرات حضرت با مخالفان به خوبی دریافت.

■ شرایط جامعه و مناظرات کلامی رضوی

دوران امامت حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) از نظر رواج بحث آزاد پیرامون عقایـد و گفت‌وگوهـای میان دینی، دوره خاصی است. دورانی که محوریت حرکت علمی نیز توسط امام در مرو و سایر شاگردانشان در سایر بلاد صورت می‌گیرد. در اینکه دوران ولیعهدی امام رضا(ع) در حکومت عباسیان بیشتر از حیث علمی و با مباحثات پرتعداد امام و مدعیان گزارش شـده اسـت مورخین را به سوی چند حدس در خصوص مأمون هدایت کرده اسـت: اول: فرض خوش‌بینانه عالم و دانشمند بودن شخص مأمون و علاقه وی به مباحث و نشست‌های علمی؛ دوم: تلاش وی برای پررنگ کردن مباحث اختلافی و شـبهات گسترده کلامی؛ سوم: برنامه‌ریزی برای کاهش وجهه علمی امام رضا(ع) با مقابل نمودن ایشان و بزرگ‌ترین دانشمندان ادیان آن روزگار.

> مناظره‌ها لازم است بر پایه علم و به دور از هرگونه جدال مغالطه‌آمیز صورت پذیرد. امام رضـا(ع) نـه تنها خود بـه این مهم پایبند بودند بلکه در ابتـدای مناظرات خود از طـرف مقابـل می‌خواسـتند از هرگونه خلط مبحث بپرهیزند. همانگونه که به عمران صائبی فرمودند: «از مغالطه و سـتمگری در بحث [پیش‌رو] بپرهیز»

به هر حال فضای مباحثه علمی در این دوران شکل گرفت و امام(ع) با شیوه کنترل و هدایت این جلسات، گنجینه‌ای از آداب گفت‌وگوی علمی و کلامی را به جای گذاشت که شایسته است در حال حاضر نیز از این شیوه رضوی استفاده لازم برای بیان معارف دینی صورت گیرد.

این مناظرات طبق روایات -که غالباً در عیون اخبارالرضا- نقل شـده‌اند، حداقل در ۱۰ مورد گزارش شـده است که عبارتند از: ۱- مناظره امام(ع) با جاثلیق، رئیس اسقف‌ها و عالم بزرگ مسـیحی وقت ۲- مناظره با راس الجالوت، پیشوای بزرگ یهودیان وقت ۳- مناظره با عمران صائبی (بزرگ صائبیان و پیروان یحیی نبی) ۴- مناظره با هیربد بزرگ، پیشـوای اعظم زرتشـتیان ۵- مناظره با سلیمان مروزی متکلم مرو پیرامون مسئله توحید و «اراده الهی» ۶- مناظره با علی بن محمد بن جهم در مورد مسئله عصمت انبیا ۷- مناظره بـا عالمان عراق و خراسـان در خصوص «عترت» ۸- مناظره در حضور مأمون پیرامون آیات قرآن و شیوه ارائه تفسیر صحیح از آیات ۹- مناظره با گروه‌های غالی (غلوکننده درباره مقام ائمه) و رد ادعای ایشان و ۱۰- مناظره با یحیی بن ضحاک در موضوع امامت.

در همه این مناظرات امام رضا(ع) هیچ گاه با درشـتی و از موضع حق‌به‌جانب سـخن را آغاز نکرد و همواره از طرف مقابل خواست تا به بیان سؤال و ادعای خود بپردازد.

■ فرجام سخن

دوران زندگی حضرت رضا(ع) از نظر رواج و تنوع فرقه‌های دینی و مذهبی دوره کم‌نظیری است و گرچه آزادی نسبی در ارائه نظرات صاحبان مکاتب غیرمسلمان، چالش‌هایی را متوجه مسلمانان می‌ساخت، اما در کنار این، ظرفیتی ویژه برای گفت‌وگوی بین دینی و اثبات حقانیت دین اسـلام فراهم نموده بـود. از طرفی رواج تفکـر معتزلی در دوران حیات امام رضا(ع) -که برخی مأمون را نیز معتزلی مسلک می‌دانند- جواز تعقل در مبانی دین و خردورزی در مسائل کلامی و فلسـفی مرتبط با خداشناسی و هستی‌شناسی را با پرهیز از تعصب افراطی فراهم نمـوده بود و در چنین فضایی، حضرت ثامن الحجج(ع) از ظرفیت ایجاد شـده، برای تبیین میزان عقلانیت اسـلام و مکتـب اهل بیت، بهترین استفاده را برد.

مناظره، یکی از بهترین روش‌های تقابـل فکری و اثبات حقانیت مدعا است که امام رضا(ع) به روایت تاریخ، مکرراً از این شیوه برای محاجه با مخالفان استفاده نمود و حتی به تربیت افرادی ماهر در منطق جدلی پرداخت که بتوانند در سایر مناطق نیز به گفت‌وگو با مخالفان بپردازند. تسلط کامل حضرت در این مناظرات و شیوه اثبات حقانیت دین و اصول آن سبب فروماندن مدعیان مناظره از پاسخگویی به حضرت گردید و آوازه توان علمی امام و مولای شیعیان در ایـن دوران، باعث گرویـدن هزاران نفر از مسـلمانان به ایشـان گردید، به طوری که فقط در خراسـان یکی از فعال‌ترین مراکز ترویج اسـلام و تشـیع به برکت حضور ایشان شکل گرفت.

از نتایـج مناظرات محکم کلامی ایشـان و تسـلیم همه مناظره‌کنندگان با حضرت در برابر منطق و پاسخ‌های راسخ ایشـان، می‌توان نتیجه گرفت «جدل احسن» همانگونه که در قرآن چندین مرتبه به آن اشـاره شـده است، یکی از بهترین راه‌ها برای ارائه اندیشـه‌های دینی و آموزه‌های مکتبی و ممانعت از شبهات رایج درباره مسائل دینی است که اگر با اصول اخلاقی و علمی که در سـیره اهل بیت(ع) نمایش داده شده اسـت، صورت پذیرد، می‌تواند بستری مناسـب برای ترویج مذهب و زدودن تفکـرات انحرافی باشد؛ بستری که نه تنها نباید نسبت به آن غفلت ورزید و از آن دوری گزید، بلکه می‌توان با ترغیب صاحبان مکاتب و اندیشه‌های معارض -که می‌تواند با صاحبان اندیشه‌های مختلف درون مذهبی، درون دینی، میان دینی و حتی برون دینی باشد- فراهم‌سازی فضایی فکری به دور از جنجال و سطحی‌نگری برای بیان نظرات متفاوت، زمینه‌ای برای رشد عقلی مسلمانان فراهم نمود که شاید با هیچ روش دیگری قابل مقایسه نباشد.

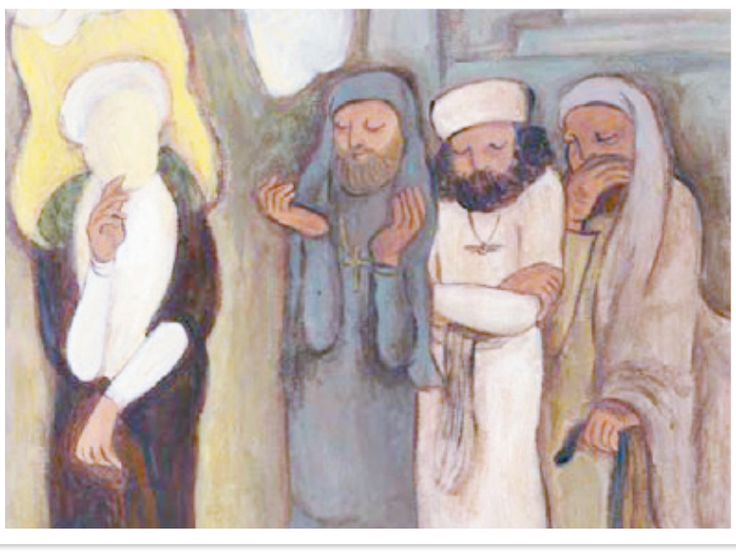

درنگ

حجت‌الاسلام رضا غلامی تشریح کرد

مؤلفه‌های اساسی زیرساخت جامعه اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی، رئیس مرکـز پژوهش‌هـای علوم انسـانی اسلامی صدرا در آخرین جلسه از درس‌گفتار «اسـلام و آسـیب‌های اجتماعی» به طرح عناوین مؤلفه‌های زیرساختی جامعه اسلامی پرداخت که در ادامه چکیده‌ای از این مباحث ارائه می‌گردد.

■ امنیت

روشـن اسـت که اگر در جامعه‌ای امنیت پایدار نباشد، اساساً فرصت ظهور سایر مؤلفه‌های جامعه مطلوب در آن جامعه فراهم نخواهد شد. بنابراین، از نظر ما امنیت مقدم بر همه چیز، مهم‌ترین عنصر زیرساختی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود ضمن اینکه ضعف امنیت خود یکی از موتورهای تولید آسیب به شمار می‌رود.

■ آزادی

آزادی مانند امنیت، یکی از پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌های زیرساختی اسـت. نباید تردید کرد در جامعه‌ای که دچار اسـتبداد و خودکامگی است و انسان‌ها در آن جامعـه از انـواع بردگی‌ها اعـم از فکری، فرهنگی، تکنولوژیکی، سیاسـی و اقتصادی رنج می‌کشند، سخن گفتن از جامعه اسلامی مطلوب و سالم بی‌معناسـت علاوه بر اینکه خود استبداد و خودکامگی، مولّـد انواع آسـیب‌های بزرگ و مخرّب است.

■ نظم و قانون

هرچند قانون ضعیف یکی از مناشی آسیب‌های اجتماعی اسـت لکن بی‌قانونی بـه مراتب بدتر از قانون ضعیف آسـیب زننده تلقی می‌شـود. با این وجود، در جامعه اسـلامی مطلوب و سـالم، نه فقط بایـد قانـون از جمیع جهات مشـروع، معقول، منسجم، شـفاف، به‌روز و کارآمد باشد، بلکه قانون‌گرایی باید فراتـر از یک ارزش صرف، زیرسـاخت‌های لازم برای پی‌ریزی یک جامعه مطلوب را فراهم کند.

به بیان دیگر، در نبود قانون‌گرایی، عملاً نوبت به شـکل‌گیری مؤلفه‌های اجتماعی دیگر نخواهد رسـید. باید توجه داشت، برجستگی یک جامعه را می‌توان در قدرت آن جامعـه در قانون‌گذاری صحیح و کارآمد جست‌وجو کرد.

■ تربیت عمومی

اگر جامعـه‌ای از ظرفیت تولیـد بهترین قواعد و مقررات اجتماعی نیز برخوردار باشد لکن نتواند اعضای جامعه را بر اساس قواعد و مقررات اجتماعی تربیت کند، آن جامعه عملاً خود را از چشیدن طعم قانون محروم ساخته است. حتی تربیت اجتماعی صحیح می‌تواند اصل قانون‌گرایـی را از یک امر حقیقی و مؤثر به امری مصنوعی و کم‌اثر تبدیل کند. بنابراین، جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که با برخورداری از یک نظام تربیتی کارآمد و سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در این میدان، از توانایی تربیت عمومی برخوردار باشد.

■ معنویت

در اینجا معنویت بالمعنی الاخص، یکی از موالید دینداری قلمداد می‌شـود. در واقـع، چتر دین و معنویت بالمعنی الاعم بالای سر همه مؤلفه‌های جامعه اسلامی مطلوب باز اسـت لکن معنویت بالمعنی‌الاخص که شـامل عباداتِ مصطلح اعم از فردی و اجتماعی است، خود یکی از مؤلفه‌های زیرساختی محسوب می‌شـود که اگر متناسب با فلسـفه هر یک از عبادات رشـد کند، نه فقط بسترهای لازم را برای شـکل‌گیری و رشد سایر مؤلفه‌های جامعه اسلامی مطلوب مهیا می‌کند، بلکه به قوه محرکه و پیشـران همـه مؤلفه‌های اجتماعی بدل خواهد شد. بنابراین، جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که معنویت مانند خون در رگ‌های آن در حرکت باشد.

■ سنت‌های خوب

هر جامعه‌ای وارث سـنت‌های خوب و بد اسـت اما اگر بتواند ضمن به انزوا کشـاندن سنت‌های بد که خـودش تولیدکننـده انواع آسـیب‌های اجتماعی اسـت، از سـنت‌های خوب و حسـنه خود برای سـاماندهی اجتماعی اسـتفاده کند، سنت‌های حسـنه عملاً بسـترهای مساعدی را برای شکل‌گیری سایر مؤلفه‌های اجتماعی ایجاد خواهد کرد.

■ خانواده

حیات خانواده به عنوان سلول بنیادی جامعه نه فقط در شـکل‌گیری بلکه در حفظ و رشـد یک جامعه نقش منحصربه‌فردی دارد. در حال حاضر، بخـش مهمی از آسـیب‌های اجتماعـی زاییده تضعیف خانواده و کاهش اثرات آن در مناسبات اجتماعـی اسـت. بنابراین، در جامعه اسـلامی مطلوب، خانواده یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین نهادهای اجتماعی است که می‌تواند علاوه بر ایجاد پایه استقرار خیلی از مؤلفه‌های اجتماعی، توفیق اصلاحات اجتماعی را تضمین کند.

■ شایسته‌سالاری

جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که افراد شایسته و ذی‌صلاح زمام امور جامعه را عهده‌دار باشـند. شایسته‌سـالاری نه فقط در ایجاد یک جامعه مطلوب مؤثر اسـت بلکه امکان صیانت از جامعـه در مقابله با آسـیب‌های اجتماعی را نیز فراهم می‌کند.

اگر به جوامع پرآسیب مراجعه کنید، حتماً یکی از مناشی آسیب‌ها در آن جوامع و یا دلیل اصلی ناتوانی آنها در مقابله با آسیب‌ها به حاکمیت افراد ناشایست و ناتوان در آن جوامع برمی‌گردد. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند: «اذا وُسِّدَ الْامرُ الی غَیرِ اهْلِه فَانْتَظِرْ السَّاعَةَ» یعنی آنگاه که کار را به دست غیر اهلش بسپارند، منتظر رستاخیز باش! (نهج‌الفصاحه، ش ۲۴۶)

■ جلوگیری از دست‌درازی به بیت‌المال

بیت‌المال در جامعه اسلامی به نوعی یک ناموس اجتماعی محسـوب می‌شـود که هر طور شده باید از دسـتبرد راهزنان اجتماعی مصون بماند. حفظ بیت‌المال و اسـتفاده صحیح از آن، یکی از بسترهای زیرسـاختی برای شکل‌گیری جامعه اسلامی مطلوب و نیز خنثی‌سـازی آسیب‌های اجتماعی محسـوب می‌شـود. در واقع، بحث در این جا به دو بخش تقسیم می‌شود: یک: سلامت بیت‌المال و دو: استفاده صحیح و معقول از آن.

■ گردش صحیح اطلاعات

اگر در گردش اطلاعات و مهم‌تر از همه در محتوای اطلاعات اختلالی به‌وجود بیاید و صاحبان ثروت و قدرت با فریب‌گری مسیر انتقال یا شاکله اطلاعات را به نفع خـود تغییر دهند، شـک نباید کرد که جامعه با فروپاشـی روبه‌رو می‌شـود و فرصت‌ها بـرای ظهور سـایر مؤلفه‌های اجتماعـی از بین خواهد رفت. با این وصف، جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که بتواند از محتوا و مسیرهای عبور اطلاعات به نفع عموم مردم صیانت کند و این اتفاق زمانی می‌افتد که اعضای جامعه خطورت گردش اطلاعات و سهم خود در آن و از همه مهم‌تر، تبعات دنیوی و اخـروی آن را به درسـتی درک کنند. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند: «مَن أذاعَ فاحِشَـةً کانَ کمُبتَدِعِها»؛ یعنی هر کس گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است که آن را مرتکب شده است. (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶) در اینجا گناه شامل هر چیزی می‌شود که با حق و عدالت ناسازگار باشد و طبعاً یکی از مصادیق بارز آن اخبار کذب و دستکاری شده است.

■ اعتماد عمومی

جامعه اسـلامی مطلوب، جامعه‌ای اسـت که با اسـتقرار صداقت و یکرنگی، صیانت از چرخش اطلاعات و همچنیـن بروز و ظهور مشـروعیت و کارآمـدی، اعتماد عمومی را کسـب کند. اگر جامعه‌ای اعتماد خـود را به مدیریـت جامعه از دسـت بدهد، نه فقط انواع فراوانی از آسیب‌های اجتماعی متولد خواهد شد، بلکه زمینه برای مقابله با آسیب‌ها نیز از بین خواهد رفت. البته جدای از اعتماد عمومی نسبت به مدیریت جامعه، موضوع اعتماد مردم به مردم هم از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و بسترهای لازم را برای همکاری و هم‌افزایی ایجاد خواهد کـرد. از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل شـده که فرمودند: «کفی بِالمَرءِ سَعادَةً ان یوثَقَ بِهِ فی دینِهِ و دُنیاهُ»؛ یعنی آدمی را همین سـعادت بس که در کار دین و دنیا به او اعتماد کنند. (نهج‌الفصاحه، ش ۲۱۳۵)

■ سلامت جسمی

جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که بتواند از تندرستی آحاد جامعه خود در سطح قابل قبولی صیانت کند. در واقع، جامعه تندرسـت، ارتباط وثیقی با کاهش آسیب‌ها و قدرت آن جامعه برای صیانت از خود دارد اما آنچه موجب شد بنده این موضـوع را در ذیل طبقه زیرسـاختی قرار دهم، نقش بسترساز سلامت اجتماعی در ارتباط با سایر مؤلفه‌های اجتماعی است.

■ آرامش روانی

هم تراز و چه بسـا مهم‌تر از سـلامت جسـمی، وجود آرامش روانی در جامعه است. در حقیقت، جامعـه‌ای که در اثـر عوامل درون‌زا یـا برون‌زا، آرامش روانی خود را به هر دلیل از دست داده باشد و از اضطراب و اغتشـاش روانی رنج ببرد، قادر به ایجاد بسترهای مساعد برای خلق جامعه اسلامی مطلوب نخواهد بود.